

ثقل تحریم‌ها بوده و اقدامات انجام شده به صورت مرحله‌ای و هوشمندانه برای قطع دسترسی به درآمدهای رانتی نفت جهت اعمال فشار و اثرگذاری بیشتر طراحی شده‌اند. اطلاع از اهمیت نقش درآمدهای نفتی در بودجه و هزینه‌های داخلی، این امکان را برای واضعان تحریم فراهم کرد تا فشاری چندوجهی وارد و ضمن محدود کردن منابع ارزی مورد نیاز ایران برای کنترل سیاست‌های به اصطلاح غیرمطلوب، روی اقتصاد داخلی نیز اثر بگذارند. تکیه بیش از ۴۶ درصدی درآمدهای بودجه‌ای بر نفت، عملاً موجب شده است که در نتیجه هر نوسانی بر درآمدهای نفتی، بسیاری از بخش‌های مرتبط؛ از جمله بودجه، ارائه یارانه‌ها (پنهان و آشکار)، ارائه خدمات عمومی ارزان، مشارکت در بازار ارزی جهت تقویت ارزش پول ملی، تخصیص بودجه‌های عمرانی، ارقام تولید ناخالص داخلی، سرانه ملی و سهم صادرات غیرنفتی دچار تغییر و مشکل گردد.

##### ۵. آسیب‌پذیری اقتصاد رانتیری

بررسی عناصر اقتصاد رانتیر و تحریم‌های هوشمند نشان داد که چقدر این دو از یکدیگر اثر گرفته و فرآیندی مکمل را به منظور مؤثر کردن فشارها و اهداف تحریمی داشته‌اند. نکته‌ای که برخی مورد تردید قرار داده‌اند اینست که اگر اقتصاد ایران رانتیر نبود، تحریم آن ممکن نبوده و یا اثر نداشت، اما آیا واقعاً چنین است؟ بدین منظور نگاهی اجمالی در دو سطح از مسئله کمک کننده خواهد بود؛ ۱. مسیر کسب درآمد خارجی از فروش محصول رانتی و ۲. شیوه هزینه‌کرد این درآمدها.

نخست اینکه، تک محصولی بودن اقتصاد رانتی و ویژگی‌های بازار فروش و انتقال درآمدها به دلیل خاص و عمده بودن مسیر اقدامات به راحتی قابل شناسایی و رهگیری است. برعکس، در یک اقتصاد غیر رانتی، محصولات صادراتی متنوع، دارای بازار گسترده و درآمدها با مسیرهای دریافتی مختلف هستند. ایجاد محدودیت خرید و فروش، سرمایه‌گذاری و فناوری بر یک محصول، با ارقام تجاری بزرگ، از گذاردن همین محدودیت‌ها بر روی صدها قلم کالای تجاری که در مقادیر و مشخصات کمتر طبقه‌بندی می‌شوند منطقی‌تر است.

دوم، شیوه هزینه‌کرد این درآمدها در اقتصاد رانتی است که اثرپذیری را بیشتر